

اشاره:

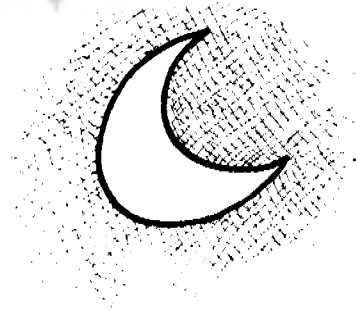
یکی از راه‌های گسترش مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای آسیای مرکزی، در قالب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) می‌باشد. این سازمان که در حال حاضر علاوه بر سه عضو بنیان‌گذار (ترکیه، ایران و پاکستان) و نیز افغانستان، شش کشور آسیای مرکزی و قفقاز شامل قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان، آذربایجان، ازبکستان و تاجیکستان را در خود جای داده است، می‌تواند زمینه مساعد گسترش همکاری‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی و... را فراهم سازد.

اگرچه تاکنون اعضای اگو نتوانسته‌اند در قالب این سازمان منطقه‌ای فعالیت چشمگیری را ارایه دهند، لیکن با برنامه‌ریزی و انسجام بیشتر، یکپارچگی، اتحاد و یکدلی قدر می‌باشند در آینده نه‌چندان دور «اگو» را به یک سازمان منطقه‌ای قوی تبدیل کنند و زمینه‌های لازم برای افزایش رفاه مردم و رشد و توسعه اقتصادی پایدار منطقه را تدارک ببینند.

در این گزارش راه‌ها و ظرفیت‌های موجود آسیای مرکزی و قفقاز در ادغام در سازمان همکاری اقتصادی (اگو) مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

چرا آسیای مرکزی و قفقاز به سمت سازمان همکاری اقتصادی گرایش پیدا کرد؟



حرکت به سمت اتحاد اقتصادی چگونه صورت می‌گیرد؟

روند ورود کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به جامعه بین‌المللی و تحول آتی آن مشخصه‌های جالبی دارد. پس از فروپاشی شوروی سابق و پیدایش کشورهای مستقل، در وهله نخست شناسایی این کشورها از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای رهبرانشان اهمیت سیاسی ویژه‌ای داشت، زیرا در آن واحد مهر تأیید بر عواملی مانند سقوط دولت مطلق‌گرای شوروی، تغییرات دمکراتیک و حق خودمختاری مردم این کشورها بود.

در وهله دوم، کشورهای پیشرفته و سازمان‌های بین‌المللی نیز علاقه بسیاری نسبت به کشورهای مستقل تازه استقلال یافته نشان دادند و مطالعات خود را درباره این کشورها شروع کردند. جوامع غربی علاقه داشتند فرهنگ، تاریخ، منابع اقتصادی، موقعیت جغرافیایی سیاسی این کشورها به‌ویژه آسیای مرکزی را بشناسند.

نکته قابل توجه دیگر آنکه این کشورها از لحاظ سیاسی در سطح منطقه‌ای بسیار فعال بودند و هر یک از آنها مواضع کشورهای دیگر را نسبت به خود ارزیابی می‌نمود. این امر حاکی از این واقعیت بود که کشورهای تازه استقلال یافته به ویژه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جایگاهی برای خود در عرصه جهانی پیدا کرده بودند. اما تقویت بنیه‌های اقتصادی و تثبیت موقعیت اقتصادی می‌توانست جایگاه اساسی آنها را استحکام بخشد. در حال حاضر کشورهای آسیای مرکزی نه تنها به جامعه کشورهای مشترک‌المنافع و روسیه، بلکه به کشورهای توسعه‌یافته و سازمان‌های بین‌المللی وابسته شده‌اند و قصد دارند با استفاده از موقعیت جغرافیایی خود به مثابه پلی میان آسیا، اروپا و خاور میانه عمل کنند و با کشورهای این مناطق روابط گسترده‌ای برقرار سازند. این نقش ارتباطی به اعتبار کشورهای آسیای مرکزی خواهد افزود و امنیت آنها را نیز حفظ خواهد کرد.

○ شناسایی کشورهای تازه استقلال یافته از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای رهبران این کشورها اهمیت سیاسی ویژه‌ای داشت، زیرا سقوط شوروی سابق، تغییرات دمکراتیک و خودمختاری مردم این کشورها را اثبات می‌کرد.

○ دولتمردان آسیای مرکزی به این باور رسیدند که عامل توسعه اقتصادی منطقه، ادغام اقتصادی آنها در قالب یک اتحادیه امکان‌پذیر است و هیچ‌یک از آنها به‌تنهایی نمی‌توانند نقش اساسی ایفا کنند.

در وهله سوم این کشورها قصد دارند برای ادغام در جامعه جهانی، در سازمان‌های بین‌المللی، سیاسی و اقتصادی جهانی حضور فعال پیدا کنند. آنها توانستند که با محافل تجاری ارتباط برقرار کنند و به توافق‌های اقتصادی مناسبی دست پیدا کنند.

دولتمردان آسیای مرکزی بر این باور هستند که عامل توسعه اقتصادی این منطقه، ادغام اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی در قالب اتحادیه دولت‌های آسیای مرکزی می‌باشد، زیرا هیچ‌یک از آنها به‌تنهایی نمی‌توانند نقش اساسی ایفا کنند.

پس از فروپاشی شوروی سابق، سطح همکاری تجاری و اقتصادی میان کشورهای آسیای مرکزی به شدت کاهش یافت و اتخاذ تصمیم درباره پول ملی در هر یک از این کشورها، این کسستگی را شدت بخشید و موانع اداری و گمرکی جریان سرمایه و کالا میان این جمهوری‌ها را متوقف نمود. این فرآیند به شدت به اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی لطمه می‌زد و دولتمردان و سیاست‌گزاران با آگاهی از این واقعیت، اهمیت اتحاد اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی را بیش از پیش احساس می‌کردند. این پیوند در آینده تحقق خواهد یافت و بر اساس حسن نیت کشورهای منطقه و منافع اقتصاد حاصل از اتحاد اقتصادی، شکل خواهد گرفت.

به عقیده کارشناسان، اتحاد اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، مریت‌های بسیاری برای آنها خواهد داشت. نخست آنکه منطقه در تولید مواد انرژی (به‌ویژه نفت، گاز و برق)، مواد معدنی و کشاورزی به خودکفایی خواهد رسید. دوم آنکه توان صادراتی این کشورها در صورت اتحاد اقتصادی افزایش پیدا می‌کند و از موقعیت جغرافیایی خاص آنها در میان آسیا و اروپا و نیز جنوب شرقی آسیا تا هند و کشورهای اسلامی، بهتر می‌توان بهره گرفت.

سوم آنکه با اتحاد اقتصادی، امکان سرمایه‌گذاری مشترک میان کشورهای آسیای مرکزی در پروژه‌های عظیم صنعتی و معدنی و تولید محصولات قابل رقابت در عرصه بین‌المللی به‌وجود می‌آید و امکان استفاده بهینه از منابع اقتصادی

کارشناسان بر این باور هستند که موانعی در این اتحاد وجود دارد. اول آنکه کشورهای تازه استقلال یافته و به ویژه آسیای مرکزی از وابستگی سیاسی و اقتصادی شدید به روسیه که از طریق ابزارهای اقتصادی تشدید می شود، به شدت نگران هستند، زیرا احتمال از بین رفتن حاکمیت کشورهایشان را می دهند. از سوی دیگر این کشورها از نظر میزان اصلاحات اقتصادی انجام شده و آزادسازی های اقتصادی شرایط متفاوتی دارند و این امر شکاف های اقتصادی و اجتماعی در این جوامع را بیشتر نشان می دهد و از موانع اتحاد اقتصادی آنها می باشد. در همین حال جهت گیری های متفاوت اقتصادی، ناهماهنگی های قانونی، تفاوت در میزان ثبات پول ملی، محدودیت جابجایی سرمایه درون این گروه از کشورها،

برایشان فراهم می شود و از آن گذشته انتقال دانش فنی و فن آوری میسر می گردد.

با این وجود کارشناسان معتقدند که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز برای اتحاد اقتصادی به یک دوره بلندمدت نیاز دارند تا بتوانند همگون سازی اقتصادی و سیستم های پولی و مالی را به انجام رسانند و پایه های تشکیل اتحاد را بنا نهند. آنها با اشاره به این نکته که قطع پیوندهای اقتصادی گذشته (دوران کمونیسم)، مشکلات اقتصادی بسیاری برای کشورهای استقلال یافته به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز در بدو تأسیس به وجود آورد. تولید بسیاری از کالاها در اثر قطع پیوندهای گذشته متوقف گردید و خسارات اقتصادی به وجود آمد.



تفاوت ساختار اقتصادی به ویژه در بخش حمل و نقل و... نیز از موانعی است که به شدت به چشم می آید.

○ موانع اتحاد اقتصادی میان جمهوری های تازه استقلال یافته را می توان در نگرانی آنها از وابستگی شدید اقتصادی و سیاسی به روسیه و از بین رفتن حق حاکمیتشان با توجه به ظرفیت های اقتصادی عظیم روسیه برای رهبری این اتحاد مشاهده کرد.

براساس محاسبات انجام شده اگر روابط اقتصادی میان جمهوری های شوروی سابق به طور کامل قطع شود، روسیه می تواند از ۶۵ درصد ظرفیت های اقتصادی خود، آذربایجان از ۲۷ درصد و قزاقستان از ۲۷ درصد ظرفیت های تولیدی خود می تواند استفاده کند و اقتصاد دیگر کشورهای تازه استقلال یافته نیز فلج خواهد شد. با چنین ارزیابی، تلاش برای ایجاد پیوندهای اقتصادی و حرکت به سمت اتحاد اقتصادی به ویژه در ناحیه آسیای مرکزی و قفقاز بعید به نظر نمی رسد، هر چند که احتمال دارد این فرآیند به طول انجامد و زمان زیادی طلب کند.

○ آکو یک امید بزرگ برای اعضای آسیای مرکزی و قفقاز بود، اما اختلاف نظر میان بنیان‌گذاران آن و سستی فعالیت این سازمان منطقه‌ای، مانع از پیشرفت‌های چشمگیر شده است.

از سوی دیگر منابع اقتصادی این کشورها به شدت مشابه است. منابع نفت در روسیه و قزاقستان، گاز در روسیه، ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان، زغال‌سنگ در روسیه، قزاقستان و ازبکستان، طلا در روسیه، قزاقستان و ازبکستان، نقره در روسیه، قزاقستان و ازبکستان، مس در روسیه، قزاقستان و ازبکستان، کروم در روسیه و قزاقستان، منگنز در روسیه و قزاقستان، سرب و روی در روسیه، قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان، قلع در روسیه، قرقیزستان و قزاقستان، نیکل در روسیه و قزاقستان و فسفات به طور عمده در روسیه، قزاقستان و ازبکستان قرار گرفته است.

بخش عظیمی از تولید این مواد معدنی مهم هم‌اکنون در اختیار روسیه می‌باشد. این مشابهت منابع حرکت به سمت اتحاد اقتصادی را دشوار می‌سازد، زیرا آنها قادر نیستند نیازهای وارداتی یکدیگر را به راحتی تأمین کنند، اگر چه اتحاد می‌تواند آنها را به کارتل‌های بزرگی در تولید مواد معدنی بدل سازد. با این وجود روسیه به لحاظ قابلیت‌های تولیدی عظیم خود می‌تواند نقش عمده در رهبری اقتصادی گروه ایفا کند و کشورهای آسیای مرکزی قادر به تحمل این وضعیت در بلندمدت نمی‌باشند، اگر چه اتحاد می‌تواند منشأ بسیاری از مزیت‌های اقتصادی گروه در عرصه جهانی باشد.

کارشناسان معتقدند که کشورهای مستقل به‌ویژه در ناحیه آسیای مرکزی اکنون به موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای در میان روسیه، چین، ترکیه، ایران، افغانستان، پاکستان و هند دست یافته‌اند و روابط نوین اقتصادی می‌تواند امکان همکاری مؤثر را برایشان فراهم سازد.

از این رو آسیای مرکزی برای بهره‌گیری از فرصت‌های متقابل برای تبادل اقتصادی به سمت ادغام در سازمان همکاری اقتصادی (اکو) گرایش پیدا کرد. آنها بر این نکته که مسایل سیاسی، مذهبی نباید بر معادلات اقتصادی در آکو تأثیر گذارد، پافشاری کرده‌اند. البته توافق از میرنایانگر اصول و مبانی همکاری ۱۰ کشور عضو آکو می‌باشد. اعضا نیز بر همکاری اقتصادی، فرهنگی، علمی و فنی در چارچوب آکو تأکید دارند. در این توافق، تسهیل دسترسی به بازار کشورهای عضو، ایجاد شرایط رشد اقتصادی برای افزایش رفاه مردم در

کشورهای عضو، تقویت مناسبات فرهنگی، حرکت در جهت تقویت تجارت جهانی و... مدنظر قرار گرفته است.

مهم‌ترین مسأله در توافقنامه از میر آن است که جزییات مربوط به ایجاد اتحاد پولی در این توافق مشخص نشده است و تنها ایجاد نظام پرداخت‌های بین‌المللی مدنظر می‌باشد، به نحوی که تجارت و همکاری اقتصادی اعضای آکو را تسهیل و تقویت کند. از آنجا که آسیای مرکزی هنوز به ثبات پولی نرسیده و کمبود نقدینگی و ارز در این کشورها مشاهده می‌شود، امکان استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی برای رشد در چارچوب آکو بهتر مهیا شده است. با این وجود کشورهای آسیای مرکزی در قالب آکو بهتر می‌توانند به سمت ورود به بازارهای جهانی گام بردارند.

کارشناسان اقتصادی معتقدند که «اکو» یک امید بزرگ برای کشورهای آسیای مرکزی برای حرکت به سمت بازار جهانی بوده و هست. اما ضعف فعالیت آکو در سال‌های اخیر نه تنها سبب شده است که اعضای آسیای مرکزی نتوانند از مواهب همکاری اقتصادی درون‌گروهی بهره‌مند شوند، بلکه دیگر اعضای آکو نیز از این سازمان بهره‌ای نبرده‌اند.

آنچه مسلم است، آکو برای تمام اعضایش می‌تواند زمینه‌های مساعد رشد اقتصادی پایدار را از طریق گسترش همکاری‌های اقتصادی، تجاری، صنعتی، علمی، کشاورزی و... فراهم سازد، مشروط بر آنکه اختلاف نظر میان اعضای بنیان‌گذار آن (ایران، ترکیه و پاکستان) تا حدود زیادی از بین برود.

تاکنون توافقاتی حاصله میان اعضای آکو در بیشتر کشورهای عضو این سازمان تأثیرگذار نبوده است. سرمایه‌گذاران و تجار نتوانسته‌اند از این توافقات به نفع گسترش مناسبات اقتصادی - تجاری میان خود به نحو مطلوب بهره‌گیرند. با وجود آنکه سرمایه‌گذاران و تجار ترکیه با بهره‌گیری از چارچوب‌های قانونی نشأت گرفته از توافقاتی که آکو، توانسته‌اند در کشورهای آسیای مرکزی سرمایه‌گذاری و تجارت فعالی را پیشه کنند، اما دیگر اعضا نتوانستند همپای آنها فعال شوند و این از نقاط ضعف آکو می‌باشد که همکاری‌های اقتصادی را محدود می‌سازد. تجدیدنظر بنیان‌گذاران آکو در مواضع سیاسی و اقتصادی‌شان به نفع مجموعه آکو برای بهره‌گیری از توانمندی‌های بالقوه اقتصادی این منطقه ضروری است.